



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال دوازدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۲۸

سنجش شاخص‌های حق به شهر: تبعیض‌های جنسیتی در فضاهای شهری اهواز

سعید امان‌پور (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)

amanpour@scu.ac.ir

مصطفی محمدی ده چشمه (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)

m.mohammadi@scu.ac.ir

مجتبی جهانی‌فر (استادیار سنجش و اندازه‌گیری (روان‌سنجی)، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)

m.jahanifar@scu.ac.ir

مریم آزادبخت (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، نویسنده مسئول)

m-azadbakht@scu.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱

صص ۳۷-۲۱

چکیده

شهروندان نقش آفرینان اصلی شهر هستند و برخورداری افراد از فضاهای شهری حق به شهر آنان را تعیین می‌کند. عوامل متعددی بر حق شهروندان از شهر تأثیر دارند، که فضاهای شهری و جنسیت از مهم‌ترین آن‌ها می‌باشند. در این پژوهش نمونه ۶۸۰ نفری از شهر اهواز گردآوری شد و از آن‌ها در مورد شاخصه‌های حق به شهر مانند تخصیص فضا، حق امنیت، مشارکت در مدیریت شهر، و حمایت اجتماعی به کمک پرسشنامه‌ای محقق ساخته، پرسش گردید. از تحلیل تناظر و همچنین واریانس چند متغیری دوراهه برای تحلیل داده‌ها استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد که منطقه ۲ و ۳ شهری اهواز از لحاظ حق به شهر در طیف برخوردار، مناطق ۱ و ۴ در طیف نیمه برخوردار، و مناطق ۵، ۶، ۷، ۸ در طیف محروم قرار گرفته‌اند. جنسیت عامل تعیین کننده‌ای در حق به شهر اهواز است، به طوری که میانگین حق به شهر زنان ۲۲/۵ و برای مردان ۳۶ محاسبه شد. فضاهای سکونت نیز در کاهش یا افزایش حق به شهر تأثیرگذار هستند به طوری که میانگین حق به شهر مناطق برخوردار به اندازه ۳۰ واحد بیشتر از مناطق محروم می‌باشند. جنسیت، تفاوت فردی تعیین کننده‌ای برای حق به شهر در شهروندان اهوازی است، بنابراین سیاست‌گذاران و طراحان شهری می‌بایست به تفاوت‌های فردی از جمله جنسیت توجه کرده و برای تخصیص مناسب فضا، امن سازی، و افزایش مشارکت‌های شهری برنامه‌ای مشخص داشته باشند. همچنین به طراحی بهتر فضاها، حمایت از شهروندان، و مدیریت بهینه به منظور تقسیم عادلانه فضای شهری اهواز بر اساس جنسیت بپردازند.

کلیدواژه‌ها: اهواز، تفاوت جنسیتی، حق به شهر، زنان، فضاهای شهری.

۱. مقدمه

شهر به مثابه حق اجتماعی است و نقش فضای شهری در تولید آهنگ روزمره زندگی و بازتولید روابط اجتماعی رویکردی به حقوق شهروندی را پدید می‌آورد که در آن ساکنان شهر باید نقش آفرینان و ذینفعان اصلی در تولید فضای شهری باشند (حیدری و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۳۴). این مفهوم به عنوان یکی از مباحث نسبتاً جدید در چند دهه اخیر است که تحت عنوان حق به شهر از آن یاد می‌شود (سنایی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۴۸). حق به شهر یک حق کلی است که مصادیق متعدد را در برمی‌گیرد. از آنجا که حق به شهر ساکنان شهر را در دسترسی و برخورداری آزادانه از مزایای زندگی شهری توانمند می‌سازد، به مثابه حق-آزادی است (حبیب‌نژاد و خسروی، ۱۴۰۱، ص. ۱۶۴). حق به شهر حق به چالش کشیدن خودمان از طریق تغییر شهر است. حق آزادی ساختن و بازسازی شهرها که یکی از بالارزش‌ترین و در عین حال نادیده گرفته شده‌ترین حقوق انسانی است (هاروی^۱، ۲۰۰۹، ص. ۳۸). میشل در کتابش با عنوان حق به شهر بیان می‌دارد که افرادی که در شهر حضور دارند، نسبت به آن حق دارند (دیزاپارا و جوور^۲، ۲۰۲۱، ص. ۶۵). حق به شهر، حقی برای تمام ساکنان (اعم از زنان، کودکان، مهاجران، فقرا و غیره) است. می‌توان گفت فلسفه این مفهوم، توانمند ساختن تمامی ساکنان شهر در برخورداری از تمامی فرصت‌های زندگی شهری است با گسترش سریع شهرنشینی در جهان و لزوم توجه به عملکرد مدیریت این سیستم‌های شهری، مطالعه در زمینه زندگی شهری و شیوه‌های دسترسی همه‌ی ساکنان به حقوق شهروندی و برخورداری برابر آن‌ها به این حقوق اهمیت زیادی می‌یابد (کارمن^۳، ۲۰۲۰، ص. ۳۲). در حقیقت، تحولات انجام گرفته در عرصه‌های مختلف زمینه ساز شکل‌دهی به مباحث جدید در عرصه مطالعه در حوزه شهرها به عنوان پدیده‌های فضایی-جغرافیایی است (مری لاینن^۴، ۲۰۲۰، ص. ۱۲۵). این تحولات ناشی از بی‌عدالتی، تبعیض جنسیتی، فقر، و توزیع درآمد در روابط قدرت موجود در مناسبات شهری است که در حوزه مطالعات شهری، اجتماعی، و حقوقی می‌توان به آن پرداخت. بر این مبنا، می‌توان گفت وجود تبعیض و دسترسی نداشتن به امکانات حق چگونه زیستن را در میان انسان‌ها به خطر می‌اندازد و باید پاره‌ای از امور فراهم باشد تا انسان‌ها بتوانند به یک زندگی مطلوب دست یابند (جرمی والدرون^۵، ۲۰۲۰).

در میان دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و فعالان سیاسی در همه مقیاس‌ها، حق به شهر اغلب به معنایی قانونی تصور می‌شود. در این مفهوم، حق به شهر شامل مجموعه‌ای از حقوق متمایز برای منابع و خدمات شهری - سرپناه، فضای عمومی، آب تمیز، و آموزش است که باید در دسترس همه باشد، صرف نظر از موقعیت اجتماعی یا اقتصادی، حاملان چنین حقوقی ساکنان شهری هستند و ضامن آن‌ها دولت است. این برداشت قانونی از حق به شهر منعکس

-
1. Harvey
 2. Diaz Parra & Jover
 3. Carmen
 4. Meriläinen
 5. Jeremy Waldron

کننده تاکید می‌کند که بر حقوق جهانی و فردی در نظم نهادی لیبرال جهانی قرار گرفته است. هدف هنجاری نهایی یک حق به شهر قانونی این است که دولت به طور قانونی مجموعه حقوقی را که حق به شهر را تشکیل می‌دهد، کدگذاری و اجرا کند (آلتورپی و هوراک^۱، ۲۰۲۱). حق به شهر از دیدگاهی به تغییرات شهری منجر می‌شود که ماهیت شهروند و شهروند بودن را به عنوان چالشی مهم پیش روی شهرها قرار می‌دهد و شهر را مهم‌ترین لایه تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری (مکانی که در آن ارزش اجتماعی فضاهای شهری با ارزش مبادله‌ای آن برابری می‌کند) معرفی می‌کند؛ از این رو، مفهوم حق به شهر مطرح شده توسط لوفور مفاهیمی چون بودن، تنوع و رقابت بر سر فضا را دربر می‌گیرد؛ پس حق به شهر لوفور آزادی شهروندان برای مشارکت در استفاده و تولید فضای شهری است (مرشدی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۴). از مجموع نظریات مطرح شده در مورد حق به شهر می‌توان گفت، این مفهوم ساکنان شهر را در دسترسی و برخورداری آزادانه از مزایای زندگی شهری توانا می‌سازد. همچنین مسئولیت‌هایی را برای ساکنان شهر در حمایت از دولت برای تسهیل ارائه این حقوق تعریف می‌کند. از این‌رو مقولات سازنده مفهوم حق به شهر شامل حکمرانی مطلوب شهری، شمولیت اجتماعی، تنوع و سرزندگی، دسترسی فضایی و عدالت است (رفیعیان و پورالوندی، ۱۳۹۵، ص. ۳۸).

مفاهیم عدالت و برابری از زمان‌های دور مورد توجه قرار گرفته است، علی‌رغم این، بی‌عدالتی و تبعیض در شهرها همچنان به چشم می‌خورد. در میان انواع بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها، عدالت جنسی موضوعی بوده است که در تمامی اعصار به حاشیه رانده شده است. تفاوت بین زن و مرد و دیدگاه‌های پدرسالارانه نه تنها در شهرسازی، بلکه در بسیاری از موارد موجب شده است تا زنان حقوق خود را انکار کنند؛ این در حالی است که نقش کلیدی آن‌ها در عرصه‌های مختلف بروز یافته است (کوهی، ۱۳۹۹، ص. ۳۲). بی‌توجهی در برنامه‌ریزی شهری به متغیرهایی مثل جنسیت، سن، گروه‌های قومی و... می‌تواند به نابرابری‌های اجتماعی (اشتیاقي و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۲۲۸). کاهش شمولیت اجتماعی، تنزل کیفیت زندگی از دیدگاه شهروندان، افول کیفیت محیط در فضاهای شهری، عدم تضمین حقوق اجتماعی و دسترسی عادلانه به فرصت‌ها و منابع و در نتیجه عدم تحقق عدالت اجتماعی دامن‌بزند (هوروبیانا^۲، ۲۰۱۳، ص. ۱۶۰). توجه به جنسیت در فضاهای شهری خصوصاً در فضاهای عمومی به این مفهوم است که ساختارهایی گسترش یابد که عدالت میان زنان و مردان را با پذیرش تفاوت‌های آنان و با ایجاد فرصت‌های برابر برقرار سازد. حضور زنان در فضاهای عمومی شهر نه تنها یکی از پیش شرط‌های اساسی تکوین و متعالی کردن این فضاها و ارتقای کیفی حوزه‌ی عمومی انگاشته می‌شود بلکه می‌توان از آن به عنوان ویژه‌ترین حق انسانی هر فرد در برخورداری از فرصت‌های ارائه شده توسط شهر نام برد (رومینا و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۶).

در ایران نیاز به فضاهای شهری برای زنان منطبق بر نیازهای مدنی شهروندان در زیست روزمره شهر به وضوح احساس می‌شود. بسیاری از شهرهای ایران، به خصوص کلانشهرها به سیاه‌چاله تبدیل شده‌اند؛ به این معنا که بخش

1. Althorpe and horak

2. Hurubeana

بزرگی از سرمایه را می‌بلعد، ولی در نهایت حتی از فراهم آوردن زیست مطلوب برای زنان نیز ناتوان هستند (بیات، ۱۳۹۵، ص. ۲۵). مطالعاتی همچون پژوهش شکرپیگی و رادین (۱۳۹۵)، با عنوان بررسی عوامل مرتبط با احساس ناامنی اجتماعی زنان در فضاهای شهری، پژوهش مریم آزادبخت (۱۳۹۶) با عنوان جغرافیای جرم زنان در فضاهای شهری اهواز، پژوهش نعمتی نیا و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان پنداشت ذهنی شهروندان تهرانی از احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری فضاهای عمومی، همچنین پژوهشی با عنوان امنیت زنان در شهر مشهد توسط مزینانی و فروغ‌زاده (۱۳۹۶)، و پژوهشی با عنوان عوامل موثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهری توسط حسنعلی‌پور (۱۴۰۰)، نشان می‌دهند که در ایران انواع خشونت و ناامنی در فضاهای کالبدی شهر که عموماً زنان را قربانی می‌کند از امکان و تمایل حضور زنان و مشارکت آنان در فضاهای عمومی کاسته است. چرا که تقسیم‌بندی‌های فضایی، زمانی، رسمی و غیررسمی در شهر سبب شده است که بعضی فضاها از دسترس زنان دور بمانند.

در حال حاضر در ایران زنان از امکان حضور و استفاده برابر در اجتماع محروم‌اند. اهواز به عنوان یکی از کلان شهرهای ایران، همانند دیگر شهرهای کشور با معضلات و مسائل شهری زیادی روبرو است. این کلانشهر علاوه بر مشکلات و چالش‌های شهری همچون حاشیه نشینی، فقر فرهنگی، بیگانگی، جرم و جنایت در دهه‌های اخیر، بروز مشاغل انگلی و کاذب و غیره، گمان می‌رود دارای فضای شهری جنسیت زده نیز می‌باشد. چرا که تضاد زیادی بین استانداردهای مورد نیاز در فضای شهری و خواسته‌های شهروندان خصوصاً زنان وجود دارد که فضاهای عمومی شهر با کمبود بین گروه‌های مختلف بصورت ناعادلانه تقسیم شده است و شهروندان از تماس با آن‌ها اجتناب می‌کنند. این امر باعث افزایش روز به روز معضلات و مشکلات شهری و در نتیجه عدم مشارکت شهروندان در برطرف کردن چالش‌های شهری در این شهر می‌باشد.

سوال اول این پژوهش به این صورت مطرح می‌شود که: اثر جنسیت در شهر اهواز بر روی حق به شهر شهروندان چیست؟ سوال دوم پژوهش چنین مطرح می‌شود که اثر فضای شهری بر روی برخورداری از حق به شهر چیست؟ و سوال سوم اینگونه مطرح می‌شود که آیا بین جنسیت و فضا تعامل وجود دارد؟

در ادامه به تعدادی از پژوهش‌هایی که در زمینه حق به شهر صورت گرفته است اشاره خواهد شد. سنایی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان، سنجش افتراقات فضایی تحقق حق به مشارکت و اختصاص دهی شهر به خود در پرتو اندیشه حق به شهر در شهر هجیروود- شهرستان چالوس، به این نتیجه رسید که محلات مرکزی، جنوبی و شرقی شهر هجیروود به دلیل دسترسی بهتر به مراکز اداری، فضاهای عمومی و خدماتی شهر، تنوع بیشتر مراکز خدماتی، کیفیت بالاتر معابر و نزدیکی به مراکز حمل و نقل عمومی از شرایط بهتری نسبت به سایر محله‌ها برخوردار هستند. حبیب نژاد و خسروی (۱۴۰۱)، در پژوهشی تحت عنوان، حق به شهر و امکان شناسایی آن در نظام حقوقی ایران، آن‌ها در این پژوهش سعی کردند که ضمن تعریف و تبیین ماهیت حق به شهر، مهم‌ترین اسناد، اعم از اسناد بین‌المللی و داخلی در این زمینه را بررسی کنند و همچنین آسیب‌های شهرهای ایران که شناسایی حق به شهر را ضروری می‌نماید، بررسی و در نهایت مصادیق تأمین این حق را بیان کنند. ابهری و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله

تحلیل مفهومی انگاره حق به شهر با تأکید بر تحولات فضایی شهر تهران، نشان دادند که در طول چند دهه گذشته اکثر پروژه‌های کلان و چشمگیر شهری در تهران، از ساخت و سازهای تجاری کناره خیابان‌های اصلی گرفته تا پروژه ایران مال و پل صدر و... همگی به نوعی منافع شهر و شهروندان تهرانی را قربانی منافع اقلیتی زیاده‌خواه و بانفوذ کرده که این اتفاق شوم در سایه رویکردهای غلط ناآگاهانه و مدیریت شهری صورت است. پورمحمدی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان، تحلیل حق به شهر در فضاهای عمومی شهری با تأکید بر رویکرد عدالت جنسیتی، نمونه‌ی موردی: شهر ارومیه، به بررسی اشکال جدیدی از حقوق ساکنان در شهرها از منظر جنسیتی و ارتباط آن به زندگی روزمره در فضاهای عمومی شهری می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه‌ی معنی‌داری بین شاخص‌های متغیرهای مستقل حق به شهر با متغیر وابسته عدالت جنسیتی و اختلاف معنی‌داری در بهره‌مندی زنان و مردان از حق به شهر وجود دارد. رهبری و شارع‌پور (۱۳۹۳)، در پژوهشی تحت عنوان تفاوت‌های جنسیتی در بهره‌مندی از حق به شهر در تهران، به ارائه‌ی یک چهارچوب مفهومی برگرفته از لوفور پیرامون حق به شهر اقدام کرده‌اند. در این پژوهش، نگارندگان با بررسی ارتباط میان مفهوم جنسیت و ادراک شهروندان از بهره‌مندی از حق به شهر نشان داده‌اند که حق به شهر اساساً مفهومی جنسیتی است و زنان تهرانی نسبت به مردان تهرانی بخت کمتری برای احساس بهره‌مندی از آن دارند. با تحلیل پژوهش‌های گذشته دو نکته مهم به چشم می‌خورد، اول آنکه مفهوم پردازی حق به شهر مطابق با نظریات برنامه‌ریزی شهری و فضای کالبدی شهر صورت نگرفته و همواره سعی شده از مبانی جامعه‌شناسی برای تبیین مفهوم حق به شهر استفاده شود، و دوم اینکه به طور دقیق مولفه‌های حق به شهر مطابق با جنسیت و تفاوت‌های فردی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، که پژوهش حاضر سعی دارد به پوشش خلا دانشی موجود در این دو مورد بپردازد.

۲. روش شناسی

این پژوهش به روش کمی، و با رویکرد شبه تجربی انجام شده است. در این بخش ابتدا به جامعه، نمونه، و روش نمونه‌گیری اشاره خواهد شد و پس از آن ضمن معرفی ابزار پژوهش، روش آماری که برای تحلیل داده‌ها به کار برده شده، معرفی خواهند شد.

۲.۱. جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، شهروندان مرد و زن ساکن شهر اهواز هستند، جمعیت شهر اهواز مطابق با گزارش معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری آن شهر تا سال ۱۴۰۱ عددی بالغ بر ۱/۳۰۰/۰۰۰ نفر است، که مناطق یک تا هشت شهرداری اهواز به ترتیب ۱۲، ۹، ۱۵، ۱۳، ۹، ۱۴، ۱۲، و ۱۶ درصد از جمعیت کل شهر را تشکیل می‌دهند. در این پژوهش به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و البته در دسترس ۶۷۸ نفر از آن‌ها انتخاب شده‌اند. معیار انتخاب افراد سن بالای ۱۸ سال و سکونت بیش از ۵ سال در محله‌های شهر اهواز بوده است. پژوهشگران سعی

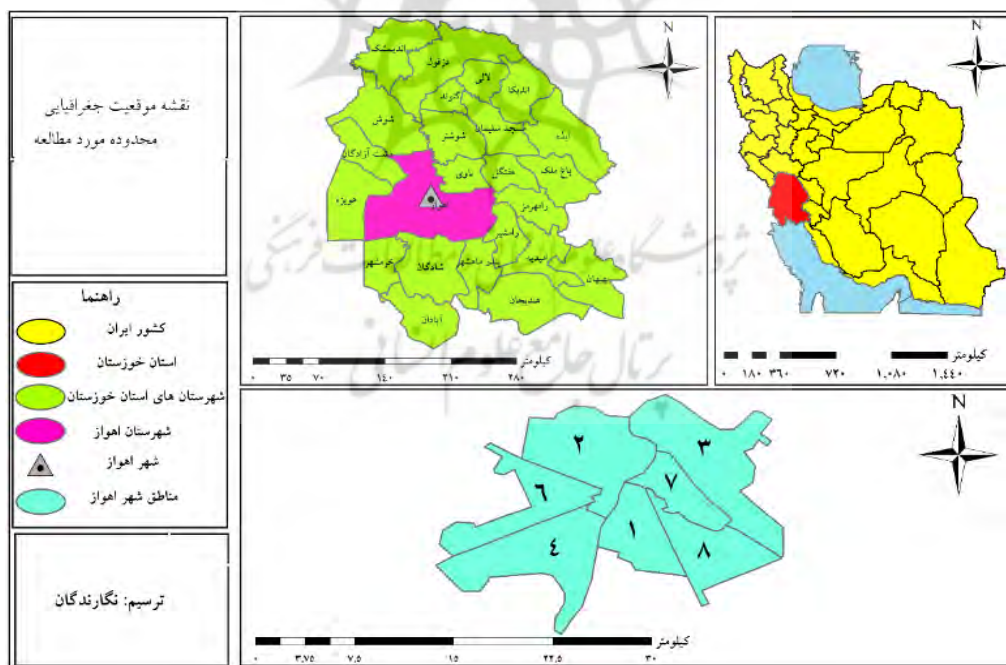
داشتند از مناطق هشت گانه افراد به نسبت جمعیت منطقه افراد را انتخاب کنند. جدول ۱ مشخصات نمونه انتخابی را نمایش داده است. زنان ۳۲۰ نفر (۴۷٪) و مردان ۳۵۸ (۵۳٪) از افراد نمونه را شامل می شدند.

جدول ۱. نمونه انتخاب شده از شهر اهواز به روش طبقه ای سهمیه ای

مناطق	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت
سهم در جمعیت اهواز	۱۲٪	۹٪	۱۵٪	۱۳٪	۹٪	۱۴٪	۱۲٪	۱۶٪
تعداد در نمونه	۸۱	۶۱	۱۰۲	۸۸	۶۱	۹۵	۸۱	۱۰۹

۲.۲. معرفی محدوده مورد مطالعه

استان خوزستان با مساحت ۶۳۶۳۳/۶ کیلومتر مربع بین ۲۹ درجه و ۵۷ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۵۷ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۷ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۳ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ در نوب غربی ایران قرار دارد و از شمال به استان لرستان، از شمال شرقی و مشرق با استان چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویر احمد، از جنوب شرقی با استان بوشهر، از جنوب با خلیج فارس و از مغرب با کشور عراق هم مرز است. جمعیت استان براساس سرشماری ۱۳۹۵ به ۴۰۰۰۷۱۰ نفر می باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



شکل ۱. موقعیت و جایگاه شهر اهواز در تقسیمات سیاسی کشور و استان خوزستان

۳.۲. ابزار و روش گردآوری داده‌ها

پژوهشگران به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه نظرسنجی محقق ساخته‌ای استفاده کرده‌اند، که به کمک مبانی نظری پژوهش طراحی شده و دارای ۴ سازه متفاوت است، پرسشنامه نظرسنجی حق به شهر ساخته شده مشتمل بر ۲۰ گویه است، و در هر گویه متناسب با محتوای شاخص حق به شهر در مورد برخورداری یا عدم برخورداری افراد از امکانات و فضای شهری سوال پرسیده شده است. شرکت کنندگان به هر گویه نمره ۰ تا ۴ را تخصیص می‌دادند. نمره صفر برای پاسخ "در مورد من به هیچ وجه در دست نیست"، نمره ۱ برای پاسخ "تاحدودی برای من درست نیست"، نمره ۲ برای پاسخ "برای من تفاوتی ندارد"، نمره ۳ برای پاسخ "برای من درست است" و نمره ۴ برای پاسخ "برای من کاملاً درست است" اختصاص داده شد. پژوهشگران روایی ظاهری پرسشنامه نظرسنجی حق به شهر را به کمک ۱۰ شهروند اهوازی (خارج از نمونه انتخابی) و روایی محتوایی پرسشنامه را ۶ متخصص جامعه‌شناسی و ۶ متخصص برنامه‌ریزی شهری پس از بازنگری پرسشنامه مورد بررسی قرار دادند. برای محاسبه شاخص روایی ظاهری از شاخص اثر گویه استفاده شد، مقدار قابل قبول این شاخص برای تأیید روایی ظاهری هر گویه مقادیر ۱/۵ و یا بالاتر از آن است (کوهی رستمی و جهانی فر، ۱۴۰۱). از شاخص CVI برای بررسی روایی محتوایی پرسشنامه نظرسنجی حق به شهر استفاده شد این شاخص می‌تواند اعداد بین ۰ تا ۱ را در برگیرد، که البته مقادیر زیر ۰/۷ باعث رد شدن گویه، مقادیر بین ۰/۷ تا ۰/۷۹ احتیاج به بازنگری و مقادیر بالای ۰/۷۹ قابل قبول هستند (جهانی فر و درفش، ۱۳۹۹).

۴.۲. تحلیل آماری داده‌ها

داده‌های گردآوری شده از شهروندان اهواز، به کمک تحلیل تناظر و روش واریانس دوره‌ای^۱ مورد تحلیل قرار گرفت. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل تناظر به منظور نمایش نموداری آن‌ها می‌باشد. تعمیم مفهوم ساده آن، نمودار پراکنش نام دارد. پژوهشگران در این پژوهش از دو متغیر مستقل و یک متغیر وابسته بهره گرفته‌اند. متغیر وابسته، در این پژوهش حق به شهر است که میانگین آن در سطوح متغیر مستقل با یکدیگر مقایسه خواهد شد. متغیر مستقل اول پژوهش جنسیت است که دارای دو سطح زنان و مردان است و متغیر مستقل دوم فضای شهری است که شهروند در آن سکونت دارد.

علت نام گذاری این روش به تحلیل واریانس دوره‌ای، این است که (الف) در این تحلیل، واریانس بین سطوح متغیر مستقل با یکدیگر مقایسه می‌شود (تحلیل واریانس)، و (ب) دو متغیر مستقل در تحلیل وجود دارد (دوره‌ای). تفکیک واریانس در این تحلیل به صورت رابطه (۱) است (هیروتسو^۲، ۲۰۱۷):

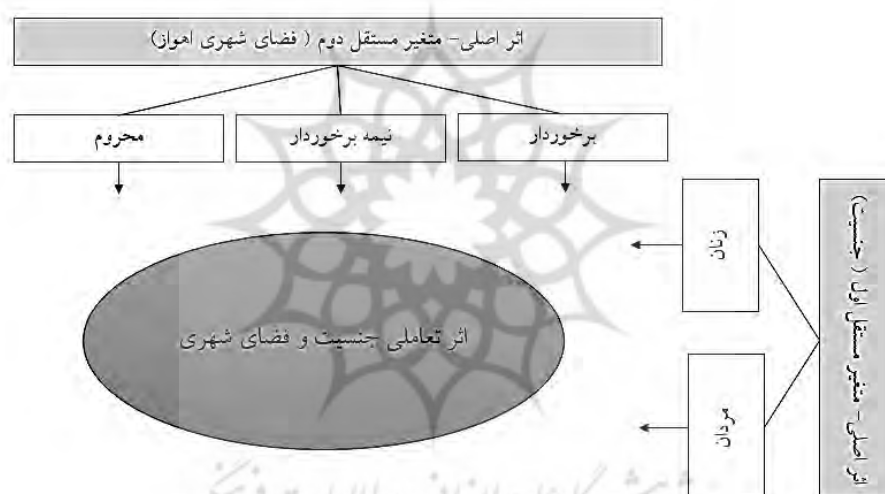
$$SS_T \cong SS_A \cdot SS_B \cdot SS_{AB} \cdot SS_E$$

1. Two-way Analysis of Variances (Two-way ANOVA)

2. Hirotso

در رابطه (۱) شاهد چهار واریانس متفاوت می‌باشیم، SS_A : که واریانس (مجموع مجذورات) ناشی از سطوح متغیر مستقل اول یا همان جنسیت است، SS_B : واریانس ناشی از سطوح متغیر مستقل دوم یا همان فضای شهری است، SS_{AB} : واریانس ناشی از تعامل بین متغیر جنسیت و فضای شهری، و SS_E : که واریانس خطا نام دارد و در این پژوهش تبیین نخواهد شد. منطق اثر بخشی هر متغیر مستقل آن است که مجموع مجذورات ناشی از آن به طور معناداری از مجموع مجذورات خطا بیشتر باشد. این برتری با معنادار شدن آماره F محقق خواهد شد (هپروتسو، ۲۰۱۷).

طرح آزمایشی این پژوهش شامل دو اثر اصلی و شش اثر تعاملی است. متغیر جنسیت (اثر اصلی اول) دارای دو سطح و متغیر فضای شهری (اثر اصلی دوم) دارای سه سطح است. تعامل این دو اثر اصلی با یکدیگر موجب ایجاد شش تعامل خواهد شد. شکل ۱. اثرات و تعامل این دو متغیر را نمایش می‌دهد.



شکل ۲. طرح تعامل متغیرهای جنسیت و فضای شهری

۲.۵. انتخاب شاخص‌های حق به شهر

در این پژوهش برای طراحی شاخص‌های حق به شهر و یافتن عوامل پرسشنامه با کارشناسان و صاحب نظران برنامه‌ریزی شهری مصاحبه‌هایی انجام شد. پژوهشگران پس از مصاحبه با ۱۲ سیاستگذار و برنامه‌ریز حوزه شهر به اشباع نظری و مفهومی رسیدند و توضیح اینکه مصاحبه‌های انجام شده از نفر دوازدهم به بعد تکرار موضوعات و شاخص‌هایی بود که نفرات قبلی به آن‌ها اشاره داشته‌اند. در این فرآیند مهم‌ترین شاخص‌هایی که در حق به شهر تاثیرگذار هستند برای پژوهشگران مشخص گردید. پس از مصاحبه به کمک تحلیل مضمون مصاحبه‌ها و بررسی پیشینه پژوهش و اسناد مهم‌ترین شاخص‌ها انتخاب و در جدول ۲ آورده شده است. در مقابل هر گویه به منبع آن اشاره شده است.

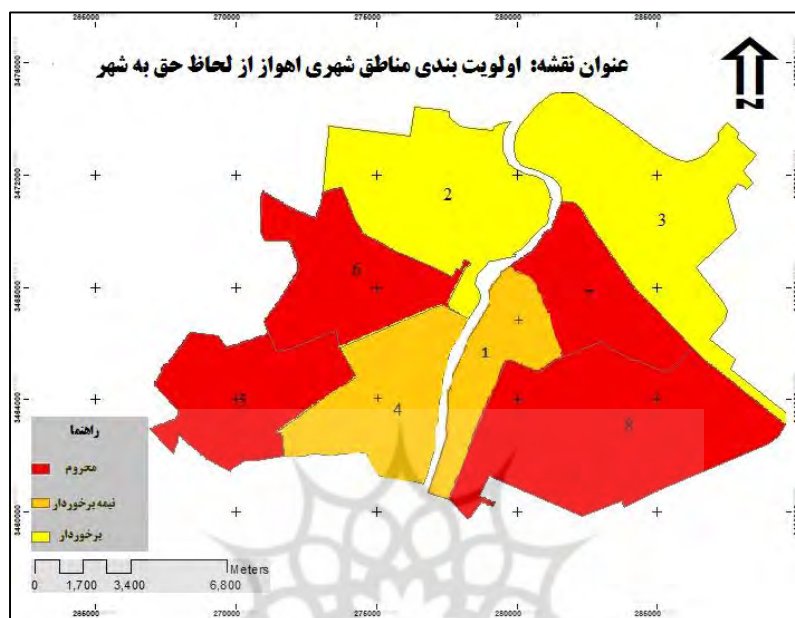
جدول ۲. شاخص‌ها و گویه‌های حق به شهر

شاخص‌ها	گویه‌ها
حق مشارکت شهری	۱- حاکمیت شهری: پاسخگویی، اثربخشی، مردم سالاری، برابری (اسناد)، ۲- شمولیت اجتماعی: انسجام اجتماعی، توانمند سازی (اسناد)، عدم تبعیض (مصاحبه)، میزان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های شهری (مصاحبه)، جایگاه زنان در مدیریت شهرها (مصاحبه)، جایگاه زنان در اجرای طرح‌ها (مصاحبه)، جایگاه زنان در برنامه‌های مشارکتی شهر (مصاحبه)، میزان دخالت و تاثیر مردم در خلق محیط و فضاهای شهری (مصاحبه)
حق تخصیص فضا	۱- تنوع و سرزندگی شهری: ارتباطات و تفریح و فراغت (مصاحبه)، شهر متناسب با نیاز زنان (مصاحبه)، اختلاط کاربری‌ها (اسناد)، میزان تنوع مراکز خدماتی در شهر (مصاحبه) ۲- دسترسی فضایی: دسترسی به سرپناه (اسناد)، دسترسی به حمل و نقل عمومی (مصاحبه)، دسترسی به خدمات (مصاحبه)، کنترل و مالکیت فضا (اسناد)، میزان حس تعلق به شهر و مکان‌های شهری (مصاحبه)، میزان تاثیر مردم برای انجام تغییرات و ساخت و سازها در محله و یا شهر (مصاحبه)، میزان سهولت مالکیت یا اجاره مسکن در شهر (مصاحبه)، مسکن مناسب (اسناد)،
حمایت اجتماعی	حفاظت از زنان آسیب‌پذیر (مصاحبه)، توانمند سازی اجتماعی-فرهنگی زنان (اسناد)، توانمند سازی اقتصادی زنان (اسناد)، از بین بردن کلیشه‌های جنسیتی پایه‌ای برای رسیدن به برابری (مصاحبه)، دسترسی به سلامت و آموزش مناسب (مصاحبه)، خشونت مبتنی بر جنسیت (مصاحبه)، به رسمیت شناخته شدن (مصاحبه)،
حق امنیت	کاهش فضاهای بی‌دفاع شهری (اسناد)، افزایش نورپردازی مناسب در شب (مصاحبه)، افزایش احساس امنیت در شهر (اسناد)، کنترل و سرکشی‌های مکرر نهادهای امنیتی و ایمنی (مصاحبه)، کاهش پراکندگی فضایی (مصاحبه)، میزان رضایت از امنیت جسمی در فضاهای شهری (مصاحبه)، میزان امنیت روانی در فضاهای شهری (مصاحبه)، میزان رضایت از ایمنی و آسایش عابران برای تردد در برابر اتومبیل‌ها (مصاحبه)، امنیت برای زنان (اسناد) و ایمنی در استفاده از فضای عمومی (مصاحبه)

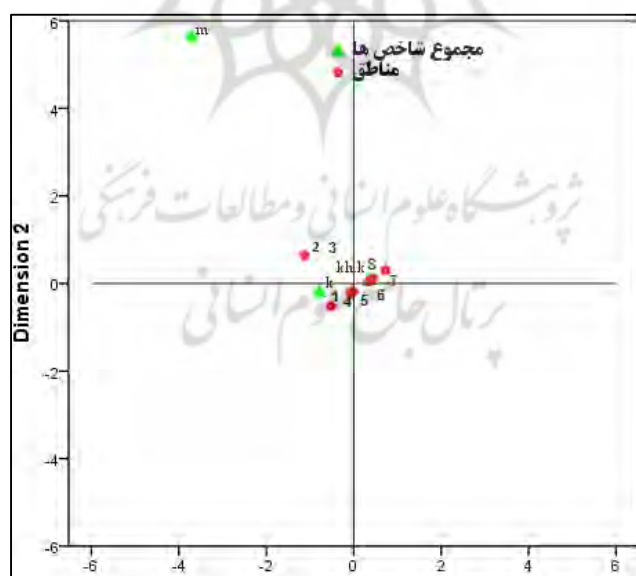
۳. یافته‌ها

برای تقسیم‌بندی مناطق شهر اهواز از لحاظ میزان برخورداری از حق به شهر از روش تحلیل تناظر (CA) استفاده شده است. با کمک این تکنیک می‌توان ارتباط بین دو یا چند متغیر گروهی را به وسیله نمایش گروهی متغیرها به عنوان نقاط در فضای دو بعدی مورد تحلیل قرار داد. خروجی آنالیز تطبیقی چنین است که گروه‌ها با توزیع مشابه به عنوان نقاطی نمایش داده می‌شوند که در همجواری همدیگر قرار دارند. در حالی که گروه‌های با توزیع‌های متفاوت دور از یکدیگر قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، خوشه‌هایی با توزیع همگن مانند نقاطی نمایش داده می‌شوند که در فضای دو بعدی تحلیل نزدیک یکدیگر قرار دارند و خوشه‌هایی که توزیع خیلی ناهمگنی دارند، دور از هم می‌باشند. اگر در شکل گرافیکی تحلیل تناظر، دو یا چند منطقه نزدیک هم واقع شوند بدین معنی است که حق به شهر آن‌ها مشابه هم هستند. نتایج به دست آمده از مجموع شاخص‌های حق به شهر (مشارکت در شهر، تخصیص فضا، امنیت شهری، حمایت اجتماعی) نشان می‌دهد که منطقه ۲ و ۳ از لحاظ حق به شهر در طیف برخوردار و مناطق ۱ و ۴ در طیف نیمه برخوردار و مناطق ۵، ۶، ۷، ۸ در همجواری محروم قرار گرفته‌اند و از لحاظ حق به شهر وضعیت مشابه

دارند. لازم به ذکر است که هیچکدام از مناطق در طیف زیاد و خیلی زیاد قرار نگرفته‌اند. شکل ۳ اولویت‌بندی مناطق شهری اهواز را در سه رنگ به نمایش گذاشته می‌گذارد (شکل ۳).



شکل ۳. اولویت‌بندی مناطق مختلف شهر اهواز از لحاظ حق به شهر



شکل ۴. خوشه‌بندی مناطق شهر اهواز از لحاظ حق به شهر

جدول ۳، میانگین شاخص‌های حق به شهر را برای جنسیت زنان و مردان نمایش داده است، چهار شاخص مهم حق به شهر عبارت بودند از حق مشارکت شهری، حق تخصیص فضا، حق امنیت، و حمایت اجتماعی.

جدول ۳. میانگین حق به شهر در اهواز بر اساس تفکیک جنسیتی

جنسیت	مشارکت در شهر	تخصیص فضا	امنیت شهری	حمایت اجتماعی	میانگین
زنان	۱۶	۲۱	۲۸	۲۵	۲۲/۵
مردان	۳۹	۳۱	۴۰	۳۴	۳۶

مقادیر جدول ۳ برتری جنسیت مرد در برخورداری از فضای شهری اهواز را نشان می‌دهد. جدول ۴ اثر فضای شهری بر حق به شهر در اهواز را نشان داده است.

جدول ۴. میانگین حق به شهر در اهواز بر اساس تفکیک فضاهای شهری

فضای شهری	مشارکت در شهر	تخصیص فضا	امنیت شهری	حمایت اجتماعی	میانگین
فضاهای برخوردار اهواز	۵۴	۴۳	۴۰	۳۹	۴۴
فضاهای نیمه برخوردار اهواز	۳۰	۳۱	۳۳	۲۸	۳۰/۵
فضاهای محروم اهواز	۱۸	۱۷	۱۱	۱۴	۱۵

مقایسه میانگین حق به شهر در سه فضای شهری تعریف شده اهواز در جدول ۴ نشان از برتری فاحش مناطق برخوردار از حق به شهر دارد. بین فضاهای شهری اهواز و جنسیت در برخورداری از حق به شهر نیز تعامل وجود دارد. جدول ۵ میانگین برخورداری شهروندان اهوازی را از حق به شهر در تعامل جنسیت و فضا را نمایش می‌دهد.

جدول ۵. میانگین برخورداری شهروندان اهوازی از حق به شهر در تعامل جنسیت و فضا

	فضای برخوردار	فضای نیمه برخوردار	فضای محروم	میانگین بدون توجه به فضا
زنان	۳۲	۲۳	۱۳	۲۲/۵
مردان	۴۹	۳۸	۱۷	۳۶
میانگین بدون توجه به جنسیت	۴۴	۳۰/۵	۱۵	

جدول ۶ آماره‌های تحلیل واریانس دوراهه را نمایش می‌دهد که به کمک آن دست به فرض آزمایشی خواهیم زد.

جدول ۶. تحلیل واریانس دو راهه برای حق به شهر (بررسی اثر جنسیت)

منبع واریانس	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	*F	سطح اطمینان	اندازه اثر
بین گروهی - جنسیت (اثر اصلی)	۵/۰۱	۵/۰۱	۴/۶۸	۰/۰۰۰۱	۰/۶۴
بین گروهی - فضای شهری (اثر اصلی)	۳۳/۴۵	۱۶/۷۲	۱۵/۶۲	۰/۰۰۰۱	۰/۵۳
جنسیت و فضای شهری (اثر تعاملی)	۱۷/۰۱	۸/۵۰	۷/۹۴	۰/۰۰۰۱	۰/۴۲
درون گروهی (خطا)	۷۰۳/۴۱	۱/۰۷			

*یادداشت: درجه آزادی درون گروهی ۶۷۲ و درجه آزادی بین گروهی به ترتیب ۱ و ۲ است.

مطابق با نتایج جدول ۶ هر سه فرض پژوهش مردود شده است، که نشان از اثر بخشی متغیرهای مستقل و تعامل آن‌ها با یکدیگر بر روی حق به شهر در اهواز دارد. در این میان جنسیت با اثر بخشی ۰/۶۴ تأثیرگذارترین متغیر، و پس از آن فضای شهری با اندازه اثر ۰/۵۳ در جایگاه دوم قرار دارد. تفاوت میانگین برخورداری حق به شهر زنان و مردان (برتری ۳/۵ واحدی مردان نسبت به زنان) معنادار و فاحش است، اما می‌توان به کمک تحلیل‌های تعقیبی تفاوت دو به دوی سطوح متغیر فضای شهری را نیز سنجید. جدول ۷ معناداری تفاوت میانگین بین سطوح سه گانه فضای شهری را نمایش داده است. این کار به کمک آزمون تعقیبی توکی^۱ صورت گرفته است.

جدول ۷. آزمون‌های تعقیبی توکی برای تفاوت بین میانگین حق به شهر در فضاهای شهر مختلف اهواز

فضای شهری	جنسیت	میانگین حق به شهر	تفاوت میانگین	آماره توکی	سطح معناداری
فضاهای شهری برخوردار	زنان	۳۲	۱۷	۳/۲۲	۰/۰۰۰۰۰۱
	مردان	۴۹			
فضای شهری نیمه برخوردار	زنان	۲۳	۱۵	۱۳/۷۸	۰/۰۰۰۱
	مردان	۳۸			
فضای شهری محروم	زنان	۱۳	۴	۰/۷۸	۰/۴۳
	مردان	۱۷			

همانگونه که در جدول ۷ ملاحظه می‌کنید، بین حق به شهر زنان و مردان در فضاهای برخوردار و نیمه برخوردار شهر تفاوت معناداری وجود دارد، که نشان می‌دهد برخورداری از حق به شهر در تعامل با فضا در این جا متفاوت عمل می‌کند، اما در فضاهای شهری محروم، تعاملی بین جنسیت و فضا وجود ندارد به طوری که حق به شهر زنان و مردان در فضاهای شهری محروم تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

۴. بحث

از رهگذر بررسی و تحلیل متون متعدد پیرامون مفهوم حق به شهر، اینگونه می‌توان نتیجه گرفت که شهر متعلق به تمام افرادی است که در آن زندگی می‌کنند. حق به شهر یک حق انسانی است که شامل تعلق یافتن شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری است. متقی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان پردازش فلسفه‌ی -مفهومی حق به شهر از منظر مدیریت شهری، نتایج این پژوهش حاکی از آن است که اگر ایده حق به شهر از سوی مدیریت شهری تحقق پیدا کند، شاهد آن خواهیم بود که شهرها در آینده به فضاهایی پویا و پایدار تبدیل خواهند شد. بنابراین، حق به شهر عبارت است از شناخت منابع و امکانات موجود و توزیع عادلانه آن در فضای شهر؛ به طوریکه مدیریت دموکراتیک شهری براساس شفافیت، مسئولیت‌پذیری، و پاسخگویی زمینه مشارکت شهروندان را فراهم آورد تا شهروندان بتوانند آنگونه که شایسته آنان می‌باشد بر سرنوشتشان نقش داشته باشند و چگونه زیستن را خود طراحی و

1. Tukey's post hoc test

اجرا کنند؛ زیرا انسان قدرت اختیار و خودآگاهی دارد و در حقیقت این خودآگاهی و اختیار تشکیل دهنده گهر انسانی آنان می‌باشد. قرار گرفتن این حق در چارچوب حقوق انسانی به این معنی است که هر انسانی صرف نظر از جنسیت، ملیت، قومیت و ویژگی‌های فرهنگی، تنها به دلیل انسان بودن شایسته بهرمندی از این حق است. از این رو حق مشارکت شهری، حق تخصیص فضا، امنیت شهری، حمایت اجتماعی، مهم‌ترین شاخصه‌هایی بودند که در این پژوهش به منظور بررسی میزان حق به شهر، شهروندان شهر اهواز مورد واکاوی قرار گرفتند. نتایج تحلیل تناظر، نشان می‌دهد که منطقه ۲ و ۳ از لحاظ حق به شهر در طیف برخوردار و مناطق ۱ و ۴ در طیف نیمه برخوردار و مناطق ۵، ۶، ۷، ۸ در همجواری محروم قرار گرفته‌اند و از لحاظ حق به شهر وضعیتی مشابه دارند. لازم به ذکر است که هیچکدام از مناطق در طیف زیاد و خیلی زیاد قرار نگرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که حق به شهر، چه در تعامل با متغیر جنسیت، و چه در تعامل با متغیر فضای شهر متفاوت عمل می‌کند، به طوری که زنان و مردان از حق یکسانی در فضای شهر اهواز برخوردار نبودند، همچنین فضاهای شهری اهواز در برخورداری افراد از حق به شهر یکسان نمی‌باشند.

یافته‌های این پژوهش با یافته‌های دولتشاه و همکاران (۱۴۰۰) هم خوانی دارد به طوری که نابرابری فضایی برای جنسیت‌های متفاوت می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی هر شهر نقشی کلیدی داشته و در کاهش نابرابری‌ها و بهبود کیفیت زندگی و رضایت شهروندان موثر باشد. همچنین یافته‌های این پژوهش در مورد رعایت عدالت جنسیتی در حق به شهر با پژوهش پورمحمدی (۱۳۹۸) نیز هم سو است به گونه‌ای که حق به شهر در فضاهای عمومی شهری با تأکید بر رویکرد عدالت جنسیتی، اشکال جدیدی از حقوق ساکنان در شهرها از منظر جنسیتی و ارتباط آن به زندگی روزمره در فضاهای عمومی شهری را به وجود آورده است. یافته‌های پژوهش تا حدودی با یافته‌های کنت و همکاران (۲۰۱۸)، در حوزه وابستگی مکان زندگی و حق به شهر هم خوانی نشان داده است، به طوری که معایب حمل و نقل، طرد اجتماعی و بهزیستی ذهنی و حق به شهر، را می‌توان به سیاست‌گذاری حمل و نقل مبتنی بر حق به شهر نسبت داد و البته بتوان با افزایش حق به شهر در مناطق کم برخوردار شهر موجب کاهش احساس محرومیت در شهروندان و احساس پذیرش اجتماعی بیشتر در آنان شد.

یافته‌ها نشان داد که فضاهای شهری اهواز، بدون توجه به موقعیت جغرافیایی یا وضعیت اجتماعی، اقتصادی آن‌ها، در ارتباط با تخصیص حق به شهر، به شدت جنسیت زده هستند. میانگین برخورداری حق به شهر برای زنان (بدون توجه به فضای زندگی) ۲۲/۵ و برای مردان (بدون توجه به فضای زندگی) ۳۶ است. این یافته‌ها گویای این است که زنان در شهر اهواز چه در مناطق مرفه و برخوردار، و چه در مناطق محروم زندگی کنند از حق به شهر کمتری نسبت به مردان برخوردار هستند. این نتیجه چندان دور از ذهن پژوهشگران نمی‌باشد، چراکه قومیت‌گرایی و فضای سستی جامعه شهری اهواز، و از همه مهم‌تر نگرش افراد به جنسیت زنان از مهم‌ترین شاخص‌های مردم شناختی شهر اهواز است، این دیدگاه و سنت، خود باعث شده تا زنان در شهر اهواز، نتوانند آنگونه که شایسته آن هستند از فضای شهری برخوردار باشند و حق کافی برای زیستن، کار کردن، و تفریح در شهر به آن‌ها اختصاص داده

نشد. مشارکت پایین زنان در اداره شهر اهواز، عدم تخصیص فضای کافی برای دسترسی، تفریح، و حضور در فضاهای عمومی اهواز، عدم نظارت اجتماعی از فضاها، فضاهای پرت و ناامن، و جنسیت زده در شهر اهواز، مهم‌ترین عواملی هستند که حق به شهر در زنان اهوازی را کاهش می‌دهند، این عوامل در کنار عدم حمایت اجتماعی و قومی از زنان، باعث تخصیص کمترین حق به شهر برای آنان شده است.

حق به شهر در اهواز، بدون توجه به جنسیت، نسبت به فضای زندگی نیز حساس است. در این پژوهش با افراز فضای شهری اهواز به سه ناحیه برخوردار، نیمه برخوردار، و محروم توانستیم، حق به شهر را در هر کدام از فضاها بررسی کنیم. شهروندان اهوازی در مناطق برخوردار از حق بیشتری از فضای شهری سهم هستند. وجود امکانات رفاهی، تفریحی، و حمل و نقل در کنار دسترسی پذیری مناسب فضاهای شهری و خدمات مناسب شهری، در فضاهای برخوردار شهر اهواز، موجب شده تا شهروندان اهوازی (زن یا مرد) حق به شهر مناسب و مطلوب‌تری نسبت به سایر فضاهای شهری داشته باشند. از طرفی مناطق نیمه برخوردار اهواز، به دلیل کمبود نسبی امکانات، ضعف در سیستم حمل و نقل و مدیریت شهری، عدم دسترسی به مناطق مهم و حیاتی شهر، و از همه مهم‌تر کمبود فضاهای شهری رفاهی، تفریحی، و خدماتی موجب کاهش حق به شهر در این مناطق شده است. برای حوزه مناطق محروم اهواز پژوهشگران حق مشارکت، حق تخصیص فضا، حمایت اجتماعی و امنیت را در پایین‌ترین سطح ارزیابی کرده‌اند، امنیت پایین فضاها در مناطق حاشیه‌نشین اهواز، قوم‌گرایی، و عدم حمایت‌های اجتماعی از زنان، تعصبات اجتماعی، و قومی، و نبود مشارکت افراد ساکن در این مناطق در مدیریت شهری، باعث شده است پژوهشگران حتی نتوانند برای برخی از محلات این مناطق نام فضاهای شهری را انتخاب کنند چه بخواهند از کاهش حق به شهر در آن مناطق سخنی به میان بیاورند. چرا که در این محلات شهریتی وجود نداشته است که بخواهیم برای شهروندان آن حق به شهری قائل شویم. در این مناطق پایین‌ترین نمرات برای امنیت شهری، و مشارکت شهری بدست آمده است که خود از عوامل تعیین‌کننده در حق به شهر هستند. این محرومیت از حق استفاده از فضای شهری برای جنسیت مرد و زن تقریباً یکسان بوده است.

زنان در نقاط برخوردار و نیمه برخوردار شهر اهواز، نسبت به مردان از حق به شهر بسیار کمتری برخوردار بودند. این تفاوت برای محلات محروم و حاشیه‌نشین موضوعیت نداشت، چرا که محرومیت بیش از حد این مناطق که دسترسی به نیازهای اولیه شهری را محدود ساخته است، برای زنان و مردان به طور یکسان موجب فقدان حق به شهر شده است. اما مناطق برخوردار و نیمه برخوردار اهواز به طور فاحشی به لحاظ طراحی فضای شهر، مدیریت شهری، امنیت فضای شهر، و حتی حمایت‌های اجتماعی موجب کاهش حق به شهر در زنان شده‌اند. این مناطق را می‌توان مناطق جنسیت‌زده اهواز به لحاظ حق به شهر دانست. در این مناطق امکانات شهری، دسترسی شهری، طراحی فضاها، به طور محسوسی به نفع مردان بوده و متناسب با توانایی‌ها، محدودیت‌ها، و ویژگی‌های جنسیت زنان نیست. فضاهای برخوردار و نیمه برخوردار شهر اهواز مردانه طراحی و مدیریت می‌شوند. می‌توان چنین بیان کرد که در اهواز، برای طراحی، مدیریت، و ایجاد امنیت در شهر جنسیت زنان در نظر گرفته نشده است.

۵. نتیجه‌گیری

در مورد فضای جنسیت‌زده اهواز، به لحاظ عدم توجه به حق به شهر زنان پیشنهاد می‌شود، سیاست‌گذاران شهری، مدیران محلی شهری، در طراحی فضاهای شهر به جنسیت افراد، کاربرد جنسی فضا، محدودیت‌ها و توانایی‌های جنسیتی بیشتر توجه کنند. بنابراین توسعه ریز شبکه‌های شهری در اهواز، به منظور پیوند بهتر محلات با مناطق و فضاهای مهم شهر (مراکز خرید، تفریح، و اداری) موجب افزایش دسترسی‌پذیری زنان خواهد شد. دسترسی‌پذیری و سیستم حمل و نقل مناسب، از مهم‌ترین عوامل بهبود حق تخصیص فضا در شهروندان است. برخورداری از پیوندهای شبکه‌ای ریز، و حمل و نقل آسان، موجب خواهد شد که زنان به عنوان نیمی از ساکنان شهر اهواز به حق خود در تخصیص فضای شهری مناسب و زیست‌پذیر دست پیدا کنند. تخصیص فضاهای مناسب برای زنان خود موجب افزایش حق به شهر آنان خواهد شد. کاهش فضاهای بی‌دفاع و رها شده در شهر اهواز، به کمک کنترل و سرکشی منظم نیروهای امنیتی و انتظامی یا نظارت اجتماعی، توسعه معابر، گذرگاه‌های امن، و نورپردازی مناسب، می‌تواند موجب کاهش جرائم و افزایش امنیت برای شهروندان گردد. توجه به امنیت زنان در فضاهای شهری باید در اولویت برنامه‌ها قرار گیرد. در این میان نقش توانمندسازی سازی زنان در توسعه حق به شهر آنان نباید نادیده گرفته شود، به همین خاطر آموزش زنان برای آگاهی بیشتر از حق به شهر خودشان، از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی محلی توسط مدیران شهری می‌تواند زمینه مناسب را برای افزایش حق به شهر زنان ایجاد کند. پژوهشگران هم به ایجاد و استقرار امکانات سخت افزاری همچون حمل و نقل مناسب، فضاهای تفریحی و رفاهی، و مبللمان شهری، متناسب با مناطق یا محلات و جنسیت‌ها به صورت عادلانه تأکید دارند و هم پیشنهاد به کارگیری امکانات نرم‌افزاری همچون آموزش و فرهنگ سازی را برای افزایش حق به شهر زنان، و حمایت اجتماعی از آنان را موثر می‌دانند.

در این پژوهش نمونه‌گیری به صورت دردسترس در سطح شهر اهواز انجام گرفته است، و پژوهشگران در بررسی‌های خود به تفاوت‌های سنی، و سطح تحصیلات افراد توجه نداشته‌اند. احتمالاً متغیرهایی مانند سطح سواد مشارکت‌کنندگان، و محدوده سنی آن‌ها بر درک از مفهوم حق به شهر تأثیرگذار است و پژوهشگران توصیه می‌کنند در آینده به این دست متغیرها نیز در بررسی حق به شهر توجه شود. همچنین استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی و محدود کردن قلمرو پژوهش می‌تواند به دقت بیشتر نتایج کمک کند. با وجود محدودیت‌های اجرایی و پژوهشی، پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که جنسیت عامل تعیین‌کننده‌ای برای تفاوت حق به شهر در شهروندان اهوازی است، و همچنین محل زندگی که افراد در آن سکونت دارند، با جنسیت آن‌ها در تعامل است. برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری باید با توجه به تفاوت‌های فردی، توانایی‌ها و محدودیت‌های شهروندان (از جمله جنسیت)، برای اختصاص فضاهای مناسب، ایجاد امنیت، و افزایش مشارکت‌های شهری برنامه‌ای مشخص داشته باشند و به طراحی بهتر فضاهای شهر، حمایت اجتماعی شهروندان، و مدیریت آن به منظور تقسیم عادلانه فضای شهری اهواز بین زنان و مردان بپردازند.

کتابنامه

۱. اشتیاقی، م.، شارع‌پور، م.، و فاضلی، م. (۱۴۰۰). بررسی بایسته‌های حق به شهر در فرآیند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه شهرها (موردی توسعه حمل و نقل شهر تهران). *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۰ (۲)، ۲۵۷-۲۲۳.
۲. بابائی، ز.، لاهیجانیان، ا.ا.، و شجاعی، م. (۱۴۰۱). ارزیابی مدیریت پایدار حمل و نقل درون‌شهری با رویکرد پایداری محیط زیست، مورد پژوهش: منطقه ۱۲ کلان‌شهر تهران. *نشریه محیط زیست طبیعی*، ۷۵ (۳)، ۴۸۶-۴۷۷.
۳. بیات، ب. (۱۳۹۳). رویکرد اسلامی به شهر، ویژگی‌های شهر اسلامی. *فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، ۴ (۱)، ۱۶۷-۱۳۷.
۴. جهانی‌فر، م.، و درفش، ح.ا. (۱۳۹۹). ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه نگرش‌ها درباره یادگیری علوم با بهره‌گیری از مدل سوال پاسخ چند ارزشی. *فصلنامه روانشناسی شناختی*، ۱ (۱)، ۲۶-۱.
۵. حبیب‌نژاد، س.ا.، و خسروی، ا. (۱۴۰۱). حق به شهر و امکان‌شناسایی آن در نظام حقوقی ایران. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، ۵۲ (۱)، ۱۶۳-۱۸۳.
۶. حیدری، م.ت.، رسولی، م.، شریفی، ز.، و محرمی، س. (۱۴۰۱). تبیین مؤلفه‌های مطلوبیت فضای شهری در تحقق حق به شهر (مطالعه موردی: ارومیه). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۵۵ (۳)، ۴۵-۲۱.
۷. رفیعیان، م.، و الوندی‌پور، ن. (۱۳۹۵). مفهوم‌پردازی اندیشه حق به شهر؛ در جستجوی مدلی مفهومی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۶ (۲)، ۴۷-۲۵.
۸. رومینا، ا.، تیموری، ق.، و احمدی‌پور، ز. (۱۳۹۷). بررسی رابطه فضا و عدالت جنسیتی؛ مطالعه موردی: منطقه ۶ شهر تهران. *پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*، ۳ (۲)، ۱۶۲-۱۴۱.
۹. رهبری، ل.، و شارع‌پور، م. (۱۳۹۱). جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه لوفور در تهران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۵ (۱)، ۱۴۱-۱۱۶.
۱۰. کوهی رستمی، م.، و جهانی‌فر، م. (۱۴۰۱). تدوین و اعتباریابی مقیاس سنجش رفتار اطلاعاتی در بحران. *علوم و فنون مدیریت اطلاعات*، ۸ (۲)، ۴۵۴-۴۲۷.
۱۱. کوهی، خ. (۱۳۹۹). الگوی جنسیتی شدن معکوس فضاهای شهری در تعارض با حقوق و حضور زنان در نظام حقوقی ایران. تهران: ششمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.
۱۲. متقی، ا.، طلا، ح.، و قربانی سپهر، آ. (۱۳۹۹). پردازش فلسفی- مفهومی حق به شهر از منظر مدیریت شهری. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۵۲ (۴)، ۱۲۵-۱۳۵.
۱۳. مرشدی، ب.، قائد رحمتی، ح.، صفر، ر.، افتخاری، ع.، و مشکینی، ا. (۱۴۰۱). حق به شهر و الگوی برنامه‌ریزی مشارکتی (تحلیلی بر تولید اجتماعی فضاهای شهری با تأکید بر مجتمع‌های بزرگ تجاری کلان‌شهر تهران). *نشریه جغرافیا و توسعه*، ۲۰ (۶۶)، ۳۴-۱.
۱۴. معاونی، ا.، و رحمانی، ه. (۱۳۹۸). تأثیر امنیت و فضای جنسیتی بر افزایش حضور بانوان در فضای شهری (نمونه موردی: پارک بانوان شیراز). *مجله‌ی معماری‌شناسی، نشریه اختصاصی معماری و شهرسازی ایران*، ۲ (۹)، ۱۰-۱.

15. Althorpe, C., & Horak, M. (2021). The end of the right to the city: A radical-cooperative view. *Urban Affairs Review*, 59(1), 14–42.
16. Carmen, M. (2020). The more-than-human right to the city: A multispecies reevaluation, *Journal of Urban Affairs*, 1-19.
17. Diaz-Parra, I., & Jover, J. (2021). Overtourism, place alienation and the right to the city: insights from the historic centre of Seville, Spain. *Journal of Sustainable Tourism*, 29(2–3), 158–175.
18. Harvey, D. (2009). *Social justice and the city: Vol. null* (null (ed.)).
19. Harvey, D. (2012). *Rebel cities: From the right to the city to the urban revolution: Vol. null* (null (ed.)).
20. Harvey, D., & Harvey, D. (1989). *The urban experience: Vol. null* (null (ed.)).
21. Hirotsu, C. (2017). *Advanced analysis of variance*. New York: John Wiley & Sons.
22. Hurubean, A. (2013). Gender equality policies, social citizenship and democratic deficit in the post-communist Romanian society. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 92, 403–408.
23. Lefebvre, H. (2003). *The urban revolution: Vol. null* (null (ed.)).
24. Lefebvre, H., Kofman, E., & Lebas, E. (1996). *Writings on cities: Henri Lefebvre: Vol. null* (null (ed.)).
25. Lefebvre, Henri (2000). *Writing on Cities*. 4th Editing, Oxford: Blackwell.
26. Meriläinen, E. S., Fougère, M., & Piotrowicz, W. (2020). Refocusing urban disaster governance on marginalised urban people through right to the city. *Environmental Hazards*, 19(2), 187–208.
27. Mitchell, D. (2003), *The Right to the City, Social Justice and the Fight for Public Space*. New York: The Guilford Press.
28. Shingne, M.C. (2022). The more-than-human right to the city: A multispecies reevaluation. *Journal of Urban Affairs*, 44(2), 137–155.
29. Tabachnick, B.G., & Fidell, L.S. (2019). *Using multivariate statistics*. Pearson. <http://queens.ezp1.qub.ac.uk/login?url=http://ebookcentral.proquest.com/lib/qub/detail.action?docID=5581921>
30. Waldron, J. (2020). Rights and Human Rights. In J. Tasioulas (Ed.), *The Cambridge Companion to the Philosophy of Law* (Cambridge Companions to Law, pp. 152-170). Cambridge: Cambridge University Press.
31. Usamah, M., Handmer, J., Mitchell, D., & Ahmed, I. (2014). Can the Vulnerable Be Resilient? Co-Existence of Vulnerability and Disaster Resilience: Informal Settlements in the Philippines. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 10, 178-189.